فرم‌های موسیقی ایرانی از دوره قاجار به این‌سو فراموش شده؛

«فرم» و «دورهای ریتمیک» دو عنصر مغفول در موسیقی ایرانی است

احمد رضاخواه معتقد است که فرم‌های موسیقی ایرانی از دوران قاجار به بعد فراموش شده‌اند. او می‌گوید: موضوع مهمی که در موسیقی ایرانی مورد غفلت قرار گرفته و جای کار بسیار دارد، دورهای ریتمیک است که در آلبوم جدیدم به روی آن کار کرده‌ام.

گروه فرهنگ و هنر –موسیقی دستگاهی ایران که برگرفته از موسیقی مقامی مناطق مختلف کشور است، از گذشته تاکنون مسیر پرفراز و نشیبی را تا پیموده و حال آنچه به ما مردمان امروز رسیده، مقوله‌ای پر جزییات و کم نقص است که به مدد تلاش و زحمت اساتید و هنرمندان نسل‌های تکامل یافته است. بی‌شک موسیقی دستگاهی ایران از همان ابتدا بسته و پکیجی حاضر و آماده نبوده و در مقاطع تاریخی بخش‌هایی به آن افزوده شده و بخش‌هایی نیز تغییر کرده و نسبت به قبل تکمیل‌تر شده است. اینکه از تکامل موسیقی دستگاهی حرف می‌زنیم به این معنا نیست که کار به پایان رسیده و حال آنچه در اختیار ماست نمونه‌ای کامل و بی‌نقص از هر آن چیزی است که توسط نسلهای قبل انجام شده است. بی‌شک اگر قرار است موسیقی دستگاهی و متعلقات آن بدون تحریف و با ایرادات کمتر به نسل‌های بعد برسد، تلاش آکادمیک و تجربی هنرمندان امروزی از اهم کارهاست که باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد؛ به این معنا که حال، مسئولیت و وظیفه پاسداری و تکامل این متاع باارزش با اهالی موسیقی هم عصر ماست. موضوع این است که در میان جمع کثیر هنرمندان امروزی، تعداد اندکی از آهنگسازان، پژوهشگران و خوانندگان همچنان به اصول و چهارچوب‌های کلاسیک موسیقی ایرانی پایبند هستند و دغدغه اصلی‌شان پرداختن به آثاری است که بر اساس متدهای موثق و ردیف‌سازی و آوازی هنرمندان مطرح گذشته، ایجاد شده و تکامل یافته‌اند. احمد رضاخواه یکی از همین افراد است. او نوازنده سنتور و آهنگساز است و در دانشکده‌های هنرهای زیبای دانشگاه تهران موسیقی خوانده است. رضاخواه که نوازندگی سنتور را از اواخر دهه شصت با حضور در کلاس‌های بابک دیهیم نیا و سعید نعیمی منتش در اصفهان آغاز کرده، در همان ابتدای فعالیت به مدت سه سال به فراگیری اجرای آثار اساتیدی چون ابوالحسن صبا، فرامرز پایور و پرویز مشکاتیان پرداخته. وی با ورود به دانشگاه از محضر مجید کیانی بهره برده و شیوه نوازندگی حبیب سماعی را نیز آموخته است. یکی از اتفاقات خوبی که توسط احمد رضاخواه رقم خورده، تولید و انتشار آلبوم «سنتورنوازی» است که سال ۱۳۹۵ توسط انتشارات «ماهور» عرضه شده است. این مجموعه موسیقایی به ردیف آوازی عبدالله دوامی اختصاص دارد و رضاخواه در آن با تاکید بر امانت داری و وفاداری، روایت این استاد موسیقی را (که با صدای خودش در سال ۱۳۵۴ ضبط شده) زیر نظر مجید کیانی (یکی از شاگردان بی‌واسطه ایشان) اجرا کرده است. بی‌شک تولید و انتشار آلبوم «سنتورنوازی» اتفاقی مغتنم و با ارزش است چراکه، ردیف آوازی عبدالله دوامی یکی از بهترین نمونه‌های ردیف موسیقی ایرانی است. وجود انواع اوزان عروضی به کار گرفته شده در اشعار، وجود تحریرهای آوازی متنوع، موجز و مختصر بودن دستگاه‌ها و آوازها در عین معرفی ساختار اصلی آن‌ها، تناسب در زمانبندی، سکوت ها، جمله‌بندی‌ها و حالات موسیقی ایرانی برخی از ویژگی‌های ردیف عبدالله دوامی هستند. احمد رضاخواه که سرپرستی گروه موسیقی «سپهر» را نیز به عهده دارد و به اتفاق اعضای آن در رویدادهای مهم شرکت کرده و به اجرای کنسرت پرداخته، ضمن توضیح درباره مسائل و مباحث مهم، اما نادیده انگاشته شده در موسیقی ایرانی، از جزییات آلبوم جدیدش گفت.

خودتان بهتر می‌دانید که تولید و انتشار آثار آنهم در زمینه موسیقی ایرانی کار بسیار دشواری است، اما با این حال همچنان برای انتشار اثری جدید در قالب آلبوم تلاش می‌کنید. در حال حاضر به چه کارهایی مشغول‌هستید؟

من به صورت مستقل آثار زیادی منتشر نکرده‌ام. چند آلبوم با همراهی اعضای گروه «سپهر» ارائه شده که بخش‌هایی از آن‌ها بر اساس فعالیت‌های جمعی ساخته شده‌اند و برخی دیگر از تولیدات نیز، مربوط به اجرای آثاری بوده که در گروه «سپهر» توسط اعضا ساخته شده‌اند، که خودم نیز جزوشان بوده‌ام. مثلا آلبوم «سپهرخوانی» ساخته خودم است.

آلبوم «سنتورنوازی» کار مستقل شماست که چند سال پیش منتشر شد و جزو آثاری محسوب می‌شود که به شیوه اصیل تولید شده. با توجه به بازخوردهایی که دریافت کردید، قرار نیست اثری را در همان چهارچوب تولید و ارائه کنید؟

چرا. آلبوم دیگری دارم که آهنگسازی آن به عهده خودم بوده و نام «رواق» را برای آن برگزیده‌ام. اتفاقا این اثر نیز در راستای آلبوم «سنتورنوازی» است، با این تفاوت که محوریت و شاخصه آن آهنگسازی موسیقی ایرانیست.

آنچه در آلبوم جدید برایتان اهمیت داشته چه مقولاتی است؟

من در این اثر بر اساس پژوهش‌هایی که داشتم، روی دو عنصر بسیار مهم در موسیقی ایرانی کار کرده‌ام که امیدوارم مثمرثمر باشد. فرم در موسیقی ایرانی یکی از آن دو عنصر است که به نظرم پرداختن به آن لازم است.

چرا پرداختن به فرم در موسیقی ایرانی را لازم می‌دانید؟

متاسفانه فرم‌های موسیقی ما از دوران قاجار به این طرف خیلی دستخوش فراموشی شده‌اند و دلیل آن گذشته‌ای بوده که با آن مواجه بوده‌ایم. موضوع دیگر این است که برخی فرم‌ها نیز در مقاطعی تحت تاثیر موسیقی‌های غربی شکل گرفته‌اند. همه این‌ها در حالی است که فرم در موسیقی ما از اهمیت بسیاری برخوردار است و بی‌توجهی به آن آسیب‌های جدی در پی خواهد داشت. موضوع مهم دیگری که در موسیقی ایرانی مورد غفلت قرار گرفته و اتفاقا جای کار بسیار دارد، دورهای ریتمیک است که در آلبوم جدیدم به عنوان دومین عنصر با اهمیت، روی آن کار کرده‌ام. متاسفانه طی سال‌ها و دهه‌های قبل و کلا از گذشته تاکنون، بسیاری از دورهای ریتمیک را فراموش کرده‌ایم. در اینباره ضمن فکر کردن بر موضوع، خیلی مطالعه کرده‌ام و به تحقیق و پژوهش پرداخته‌ام تا در نهایت اثری در خور را به مخاطبان ارائه کنم.

با وجود آنکه از دوران صفویه و قاجار (دو مقطع مهم در موسیقی کشور) به این سو زمان زیادی نگذشته، اما متاسفانه منابع و ماخذ معتبر و موثق کمی در رابطه با موسیقی وجود دارد که مقوله پژوهش را با دشواری‌هایی مواجه می‌کند. برای آلبوم جدید از چه منابع و مکتوباتی بهره بردید؟

من در آلبوم جدیدم روی فرم‌های قدیمی کار کرده‌ام و همانطور که گفتید دشواری‌هایی در این زمینه وجود دارد که یکی از آن‌ها کمبود منابع است. برای ارائه اثری کامل‌تر و موثق‌تر از مقالات دکتر ساسان فاطمی بهره‌های بسیار برده‌ام. به طور مثال دقیقا با همان فرمی که استاد فاطمی در مقاله‌شان توضیح داده، و بر اساس همان بخش‌ها و جزییات، تصنیفی را در دستگاه ماهور نوشته و ساخته‌ام. خانه، سرخانه، میان خانه و ترجیع بند برخی از بخش‌هایی هستند که برای آهنگسازی بر اساس فرم‌های قدیمی روی آن‌ها فکر کرده‌ام.

ادوار ریتمیک در موسیقی ایرانی نیز مبحث مهم دیگری است که برای پرداختن به آن با کمبود منابع مواجهیم، درست است؟

بله درست است. متاسفانه در زمینه «ادوار ایقاعی» که اتفاقا شناخت کمی درباره آن وجود دارد، منابع بسیار کمی در دسترس است. از طرفی متخصصانی که از این مقوله شناخت کافی دارند نیز بسیار معدودند. بی‌شک همه اینها پرداختن به چنین موضوع مهمی را با دشواری‌هایی همراه می‌کند. البته درباره ادوار ایقاعی و دورهای ریتمیک به طور کلی و معمول در محافل و کلاس‌ها صحبت می‌شود اما آن صحبت‌ها و تعاملات، تخصصی و دقیق و درست نیستند و منابعی موثق محسوب نمی‌شوند.

برای تولید و ارائه آلبوم «رواق» چطور به مبحث مهم ادوار ایقاعی پرداختید و از وجود چه منابع یا افرادی بهره بردید؟

یکی از شانس‌های من حضور آقای فرید خردمند در گروه «سپهر» است که روی این موضوع بسیار گسترده و دقیق کار کرده و من نیز بخشی از داشته‌های ایشان را به طور عملی دریافت کرده و یاد گرفته‌ام. چند مقاله نیز در رابطه با ادوار ایقاعی نوشته شده و فصلنامه «ماهور» نیز با وجود مطالب و مقالاتی که در این رابطه منتشر کرده، منبع خوبی به حساب می‌آید. من نیز از آن‌ها در تکمیل اطلاعات و داشته‌هایم، استفاده کرده‌ام.

موضوع مسلم این است که هرچه می‌گذرد افراد کمتری به سراغ مقولات مهم و نادیده گرفته شده موسیقی ایرانی می‌روند! واقعا چرا هرچه می‌گذرد آثار کمتری در رابطه با مباحث مهم موسیقی گذشته منتشر می‌شود؟ آیا صرفا کمبود منابع، موجب فراهم آمدن این بی‌توجهی است؟

کمبود منابع تنها یکی از دلایل است. سختی‌هایی که پیش روی پژوهشگران قرار دارد، همچین زمان بر بودن روند چنین کارهایی، در این بی‌توجهی‌ها موثرند. اما به نظرم دلیل اصلی این بی‌توجهی وعدم تمایل هنرمندان به تولید آثاری با موضوعات مهم در موسیقی ایرانی، عدم شناخت آن‌ها نسبت به مباحث مختلف است. از طرفی، کلا عادت کرده‌ایم در همه امور موضوعات دم دستی‌تر و زود بازده‌تر را پیگیری کنیم و در موسیقی نیز با این معضل مواجهیم. در صورتی که برخی موضوعات و مباحث نیاز به تحقیق و مطالعه و صرف زمان دارند، در غیر این صورت به نتیجه نمی‌رسند. شاید باور نکنید اما برای ساخت یکی از تصانیف آلبوم که دور ایقاعی دشواری دارد، دوری سماعی و ثقیل را دو، سه ماه زمزمه می‌کردم تا به نتیجه مطلوب برسم. می‌خواهم بگویم انجام اینطور کارها وقت گیر است و اگر بخواهیم کاری جذاب‌تر، فنی‌تر و پیچیده‌تر انجام دهیم، مسلما باید زمان بیشتری صرف کنیم. حال فکر کنید قرار باشد روی چنین اثری شعر هم بگذاریم، مسلما کار دشوارتر می‌شود.

زمانی که از آلبوم‌های خاص و پژوهش محور صحبت به میان می‌آید، مسئله فروش هم مطرح می‌شود و کار مهمتری که باید انجام دهید این است که به دنبال جلب حمایت موسسات و انتشارات‌ها هم باشید.؟

گویا در حال حاضر فقط انتشارات «ماهور» است که به انتشار آثار خاص‌تر تمایل نشان می‌دهد. به هر حال «ماهور» نیز انتشارات بزرگی است، اما انتشار آثار تخصصی برای چنین نشریه‌ای هم سخت است، به این دلیل که مثلا قانون کپی رایت نداریم که در نوع خود مشکل ساز است و آسیب‌های بسیاری بر پیکره هنر کشور وارد کرده است. یا اینکه مخاطبان به خرید آلبوم‌های خاص‌تر و تخصصی‌تر توجه نشان نمی‌دهند و می‌روند و آن‌ها را دانلود می‌کنند؛ بنابراین موسسه «ماهور» نیز در این زمینه با مشکلاتی مواجه است. «ماهور» می‌گوید زمانی که قرار است مثلا ده نسخه از اثر فروش برود و مخاطبان باقی را رایگان دانلود کنند، تولید و انتشار چنین آلبومی برای من سودی نخواهد داشت، لذا آن را تولید و منتشر نمی‌کنم!

شما به عنوان مولف و سازنده برای جلب توجه مخاطبان چه تمهیداتی را به کار می‌گیرید؟ به هر حال باید اتفاق نویی رخ دهد تا مخاطب از میان انبوه آثار عامه پسند و پر زرق و برق، به خرید آلبومی با محتوای خاص رضایت دهد.

درست است، اما آن تمهید یا رکب تجاری آنطور که باید به عهده هنرمند نیست. در کل انجام چنین کارهای جزو وظایف هنرمند محسوب نمی‌شود. و اینکه اگر قرار باشد من آهنگساز به بخش تجاری قضیه و ارائه تمهیداتی برای فروش و سود بیشتر فکر کنم، دیگر نمی‌توانم به مسائل و موضوعات مهمتر بیاندیشم و روی مسائل و مباحث مهم اثر کار کنم. منظور از تمهید، انجام کارهای تجاری نیست بلکه انجام کارهای نو و خلاقانه در راستای همان اثر است که توسط هنرمند ساخته و پرداخته می‌شود. بله در آلبوم «رواق» واقعا چنین ابراز خلاقیت‌هایی وجود دارد. یعنی قطعات ساخته شده هم به لحاظ فنی و هم به لحاظ اجرایی واجد اتفاقات نو هستند. شخصا تلاشم بر این بوده تنظیم‌ها متنوع باشند. قطعات تخت و مونوتون نیستند، اما با این وجود چند صدایی‌هایی دارند که در نوع خود مورد توجه است. آوازهایی نیز در میانه قطعات قرار داده شده، تا جذابیت‌هایی برای شنونده ایجاد شود. البته اینکه به سراغ موضوعی خاص و کمتر پرداخته شده، رفته‌اید در نوع خود و به خودی خود جذاب است؛ اما به هر حال به لحاظ شنیداری نیز خلاقیت‌هایی لازم است تا مخاطب به شنیدن قطعات ترغیب شود و آن‌ها را با دقت و اشتیاق تا به آخر بشنود. موافقم و متوجه منظورتان هستم. قطعه‌ای دیگر نیز دارم که «سماع» نام دارد و اساس آن همان ادوار ایقاعی است که دورهای آن عوض می‌شود. با یادآوری اینکه کلیت کار ساختاری فرمالیستی دارد، در اثر مذکور دورهای نه تایی، ده تایی، هشت تایی و دوازده تایی بر اساس فرم‌ها در بخش‌های مختلف عوض می‌شوند. چهارمضرابی نیز دارم که برای آن نیز فرمی را در نظر گرفته‌ام. اساتیدی چون مشکاتیان و فرامرز پایور نیز پیش از ساخت چهارمضراب‌هایشان به فرم آن‌ها فکر کرده‌اند اما همه چهارمضراب‌ها اینگونه نیستند

دکتر فاطمی در یکی از مقاله‌هایش می‌گوید چهارمضراب از دوران قاجار به این طرف گونه‌ای است که تند بودن و تمپوی بالا از مشخصات آن است. پایه‌ای نیز وجود دارد که به طور مرتب بین جمله‌ها تکرار می‌شود، اما همه اینها به تنهایی فرم را به وجود نمی‌آورند. بنابراین من نیز برای ایجاد فرمی مشخص، به فرم چهارمضرابم در آلبوم «رواق» فکر کرده‌ام. با این حساب آلبوم پرجزییاتی را خواهیم شنید.

امیدوارم همینطور باشد.

موسیقی دستگاهی ایران که برگرفته از موسیقی مقامی مناطق مختلف کشور است، از گذشته تاکنون مسیر پرفراز و نشیبی را تا پیموده و حال آنچه به ما مردمان امروز رسیده، مقوله‌ای پر جزییات و کم نقص است که به مدد تلاش و زحمت اساتید و هنرمندان نسل‌های تکامل یافته است.

معرفی کتاب

«یک خانواده تقریباً معمولی»

نویسنده: ام.تی.ادواردسن
مترجم: نسرین رمضانی
ویراستار: مصطفی نظری

گروه فرهنگ و هنر – کتاب یک خانواده تقریباً معمولی داستانی از ام.تی. ادواردسن است که با ترجمه نسرین رمضانی منتشر شده است. این کتاب داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که با متهم شدن دخترشان به قتل، از هم می‌پاشد. حقیقت چیست؟ قاتل حقیقی چه کسی است؟

درباره کتاب:

یک خانواده تقریباً معمولی داستان خانواده‌ای است که خودشان فکر می‌کنند خانواده‌ای معمولی هستند. اما همه چیز در شبی که استلا دیر به خانه برمی‌گردد، تغییر می‌کند.

یک شب استلای هجده ساله دیر به خانه برمی‌گردد و فردا به قتل متهم می‌شود. خب، اگر شما به جای پدر و مادر او بودید، چه کار می‌کردید؟ تا کجا حاضر بودید برای نجات جان فرزندتان مرزهای اخلاق را پشت سر بگذارید؟ پدر خانواده مطمئن است که برای دخترش پاپوش درست کرده‌اند. مادرش فکر دیگری می‌کند و اطمینان دارد دخترشان در تلاش است تا چیزی را پنهان کند. اما خود استلا فکر دیگری می‌کند. او فکر می‌کند پدر و مادرش هیچ نمی‌دانند که از دست دخترشان چه کارهایی که برنمی‌آید! این داستان از زبان هر سه عضو خانواده روایت می‌شود اما سوال اصلی این است که کدامشان حقیقت را می‌گوید؟ نشریه نیویورک تایمز این کتاب را اینطور توصیف کرده است: «یک خانواده تقریباً معمولی رمان هیجان انگیزی است که خواننده را مجبور به مقابله با "سازش هایی که با خود می‌کنیم، افرادی که معتقدیم عزیزانمان انتظار دارند" می‌کند.» نشریه بوک لیست (Book List) هم این داستان را یک رمان مهیج شدیدا قانونی توصیف کرده است که با موفقیت، احساسی واقع گرایانه و جذاب را در برابر یک پیچ و تاب قانونی تکان دهنده بازی می‌کند.

بخشی از کتاب:

وقتی از خانه الکساندرا و دینو برگشتیم، ماشین‌های پلیس هنوز کنار مدرسه پارک بودند. اتفاق خیلی ترسناکی افتاده بود که آدم را به وحشت می‌انداخت، در جایی که چندان از ما دور نبود. مثل اینکه جسد توسط مادر سحرخیزی که بچه‌های کوچکش را به زمین بازی برده بود، پیدا شده. حتی فکرش هم آزاردهنده بود. الریکا پیاده شد و با عجله به‌طرف در رفت. پرسیدم: نمی‌خوای دوچرخه‌ت رو قفل کنی؟» درحالی که توی کیفش دنبال کلید می‌گشت یواشکی گفت: «دستشویی دارم.» دوچرخه‌اش را کنار دوچرخه خودم زیر سقف فلزی پارک کردم. یادم رفته بود در گریل را که گوشه انبار افتاده بود، بگذارم. وقتی وارد خانه شدم، الریکا روی پله‌ها ایستاده بود. «استلا هنوز خونه نیومده. بهش زنگ زدم، جواب نمی‌ده.» گفتم: «احتمالاً تا دیروقت سر کاره. خودت می‌دونی اجازه ندارن با خودشون گوشی ببرن.» «اما امروز شنبه‌س. مغازه چند ساعت پیش تعطیل شده.» چیزی که الریکا گوشزد کرد، به ذهنم نرسیده بود. «شاید با دوستش جایی رفته باشه. امشب دوباره باهاش صحبت می‌کنیم. نباید ما رو این‌قدر نگران کنه.» دستم را روی شانه الریکا گذاشتم. گفت: «وقتی این‌همه پلیس رو اینجا دیدم، دلشوره گرفتم. قتل؟! اونم اینجا؟!» «می‌دونم. منم حالم خوب نیست.»

معرفی کتاب

«مکتوب»

نویسنده: پائولو کوئیلو
مترجم: الهام امیری‌زاده
انتشارات آندیشه گستر

گروه فرهنگ و هنر – کتاب مکتوب اثری از پائولو کوئلیو نویسنده مشهور و خالق اثر کیمیاگر است که با ترجمه الهام امیری‌زاده می‌خوانید. این کتاب نوشته‌های کوتاه و داستان‌های با معنی دارد که نگرش و دیدگاه کوئلیو نسبت به زندگی و هستی را با مخاطبان درمیان می‌گذارد.

درباره کتاب:

مکتوب یعنی نوشته شده. این کتاب هم شامل نوشته‌های کوتاه، و نگرش ها و برداشت‌های کوئیلو از جهان هستی و زندگی است که پیش از اینکه به شکل یک کتاب تنظیم و منتشر شوند، در روزنامه فولیا منتشر شده بودند.

پائولو کوئلیو این نگرش‌ها و برداشت‌ها را از فرهنگ‌ها و ملل مختلف الهام گرفته است و خودش معتقد است که نباید نام پندنامه به این کتاب داد. بلکه، تبادل تجربه است؛ کتاب‌هایی که او آنها را خوانده و یا داستانهایی که در هر حال متعلق به میراث روحانی نسل بشر هستند و مورد استفاده او قرار گرفته اند. او همچنین درباره محتوای مطالب اینطور گفته است که قسمت اعظم نوشته‌های این کتاب را مدیون همزیستی یازده ساله با استادش می‌داند و از آموزه‌های او استفاده کرده است.

بعدها او این کتاب را ادامه داد و نوشته‌های جدیدش را در کتاب دومین مکتوب منتشر کرد.

بخشی از کتاب:

«مکتوب» یعنی «نوشته شده»، اما اعراب معتقدند که «نوشته شده» ترجمه‌ای خوب نیست؛ چون اگرچه همه چیز از قبل نوشته شده است، اما خداوند مهربان است و همه چیز را فقط برای کمک به ما نوشته است.

یک غریبه به نیویورک آمده است. او یک وقت ملاقات داشت، اما دیر از خواب بیدار شد. با خروج از هتل متوجه شد که پلیس اتومبیلش را توقیف کرده و برده است. به همین دلیل دیر به محل ملاقات رسید و آن را از دست داد. ساعت ناهاری بیشتر از حد معمول طول کشید. او به فکر جریمه‌ای بود که باید پرداخت می‌کرد، قطعاً مبلغ زیادی خواهد بود.

ناگهان اسکناسی که روز قبل در خیابان پیدا کرده بود را به خاطر آورد و احساس کرد رابطه عجیبی بین این اسکناس و رویداد همان روز صبح وجود دارد. «کسی چه می‌دونه، شاید من اون پول رو قبل از کس دیگه‌ای که قرار بود اون‌رو پیدا کنه، از روی زمین برداشتم؟

شاید اسکناس رو از مسیر کسی برداشتم که حقیقتاً به این پول احتیاج داشت. کسی چه می‌دونه ... یعنی من توی سرنوشت مکتوب مداخله کردم؟» او احساس کرد که باید هر چه سریع‌تر از شر این اسکناس خلاص شود. در همان زمان، گدایی را مشاهده کرد که کنار پیاده‌رو نشسته بود؛ بنابراین سریعاً اسکناس را به او داد و احساس کرد یک بار دیگر تعادل را به زندگی خود بازگردانده است؛ اما گدا گفت: «من صدقه نمی‌خواهم، من یک شاعرم! حالا باید یکی از شعرهایم را برای تو بخوانم.» غریبه گفت: «بسیار خب؛ اما فقط کوتاه باشد، چون من عجله دارم!» گدا گفت: «تو هنوز زنده هستی چون هنوز به جایی که باید می‌رسیدی؛ نرسیدیی!»

شرکت آریا اطلس کیش
اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی
حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزود، حقوق و دستمزد
آدرس: خیابان ساحل بازار دیپلمات طبقه اول تجاری واحد ۱۰۹
تلفن مرکز: ۰۷۶-۴۴۴۶۱۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۲-۷۰۵۷۱۷۳